

ویژه گیهای شخصیتی حضرت خدیجه (س)

مهلی ورزنده

جلد ۱-۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ویژگی های شخصیتی حضرت خدیجه (س)

نویسنده:

مهدی وزنه

ناشر چاپی:

مهدی وزنه

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	ویژگی های شخصیتی حضرت خدیجه (س)
۷	مشخصات کتاب
۷	جلد ۱
۷	چکیده
۷	کلید واژه
۷	مقدمه
۷	۱- به یاد خدا بودن
۸	۲- شجاعت و کفایت
۱۱	۳- حیا و عفت
۱۲	۴- بخشندگی و سخاوت
۱۳	پی‌نوشت‌ها
۱۳	جلد ۲
۱۳	۵- شریک و مشاور همه
۱۴	۶- صبر بر مشکلات
۱۵	۷- مهر و حق شناسی
۱۶	۸- ایجاد فضای پربرکت و معنوی در خانه
۱۷	۹- قدرت مدیریت
۱۸	۱۰- ابتکار و استقلال جویی
۱۸	۱۱- هدف داری و فداکاری
۱۹	۱۲- حق جویی و حق پذیری
۱۹	۱۳- درایت و خردمندی
۲۰	نتیجه

۲۰ پی‌نوشت‌ها

۲۱ کتابنامه

۲۲ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

ویژگی های شخصیتی حضرت خدیجه (س)

مشخصات کتاب

نویسنده: مهدی وزنه

ناشر: مهدی وزنه

جلد ۱

چکیده

یکی از برترین زنان با شخصیت در جهان اسلام حضرت خدیجه (سلام الله علیها) هستند، بر آن شدیم هر چند مختصر برخی از این ویژگی های شخصیتی را برای تشنگان معارف اسلامی توصیف کنیم. باشد که مقبولشان افتد.

کلید واژه

خدیجه (سلام الله علیها)، ویژگی ها، شخصیت.

مقدمه

ما انسان ها دارای دو جنبه هستیم: شخصی و شخصیتی. در جنبه شخصی غالب شبیه یکدیگریم، برای رفع تشنگی و گرسنگی آب و غذا می خوریم، لباس می پوشیم ... لیکن در جنبه شخصیتی با یکدیگر متفاوتیم. برخی دارای شخصیت های مثبت، فعال و معنوی هستیم، بلعکس برخی دارای شخصیتی منفی، پوچ، بی هویت ... کسانی که دارای شخصیت های مثبت و برترند، می توانند بر افراد دیگر تأثیر بگذارند، و همیشه زندگی شان سرمشق دیگران، و شایسته‌ی مطالعه و تحقیق است. از جمله این افراد برتر و مناسب برای الگو شدن حضرت خدیجه (سلام الله علیها) هستند. در این مقاله به دنبال بیان برخی از ویژگی های شخصیتی این بانو در مسیر زندگی مشترکش با رسول خدا (صلوات الله علیه واله) هستیم.

۱- به یاد خدا بودن

دعا یا خواندن عاشقانه و خالصانه و پرشور خدا و راز و نیاز با آن سرچشمه‌ی زندگی و زیبایی و قدرت، نوعی پرستش و برترین نوع یکتاپرستی است به همین جهت دعا و نیایش در زندگی دوستان خدا جایگاه پرفرازی دارد آنان به دعا خو می گیرند و با مناجات پرشور و شعور تا عرش خدا راه می یابند با آن به اوج آرامش می رسند و گمشده ی دل ناآرام خود را در آن می یابند و آن را دانشگاه آزادگی ها و بی نیازی ها و استقلال ها و برازندگی ها و خودسازی ها می بینند.

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) دائماً به یاد خدا بودن و ذکر خدا را می گفتند و سرآمد زنان نیایشگر بود و حتی ایشان دو حرز مخصوص خود داشتند و مرتباً آن ذکرها را زمزمه می کردند از جمله: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيْثُ

فَأَعْنِي، وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا، وَأَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ.»؛ «به نام خداوند بخشنده ی بخشایشگر! ای خدای زنده و استوار! به رحمت پناهنده شدم. به من پناه بده و مرا هرگز به اندازه‌ی یک چشم برهم زدن به خودم وانگذار، همه‌ی حال و زندگی من را سامان ببخش.».

و دومین حرز ایشان: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ يَا اللَّهُ يَا حَافِظُ يَا حَفِيفُ يَا رَقِيبُ.»؛ «به نام خداوند بخشنده‌ی بخشایشگر! ای خدا! ای نگهبان، ای نگه‌دارنده‌ی مراقب و پاسدار.» (۱)

این بانو می‌دانست که زندگی که با یاد خدا باشد شیرین، زیبا و دلنشین و همراه با آرامش است این ارتباط و یاد خدا مسلماً یک طرفه نیست، این خداست که به یاد بنده‌اش است و بنده هم به فضل الهی از خدا تمسک می‌گیرد، این ارتباط دو طرفه در زندگی خدیجه (سلام الله علیها) در روایتی خیلی زیبا بیان شده:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: وقتی که در شب معراج جبرئیل من را به سوی آسمان‌ها برد، هنگام مراجعت به جبرئیل گفتم: «هَلْ لَكَ مِنْ حَاجَةٍ؟»؛ «آیا حاجتی داری؟».

جبرئیل گفت: «حَاجَتِي أَنْ تَقْرَأَ عَلَيَّ خَدِيجَةَ مِنَ اللَّهِ وَمِنِّي السَّلَامُ...»؛ «حاجت من این است که سلام خدا و سلام من را به خدیجه (سلام الله علیها) برسانی.».

پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی که به زمین رسید، سلام خدا و جبرئیل را به خدیجه (سلام الله علیها) رساند، خدیجه (سلام الله علیها).

گفت: «إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ، وَمِنْهُ السَّلَامُ، وَإِلَيْهِ السَّلَامُ، وَعَلَى جِبْرِئِيلَ السَّلَامُ»؛ (۲) «همانا ذات پاک خدا سلام است و از اوست سلام و سلام به سوی او باز می‌گردد و بر جبرئیل سلام باد.».

همراهی خدیجه (سلام الله علیها) با پیامبر صلی الله علیه و آله و دیدن معجزات و نشانه‌هایی از حضرت، این ارتباط و به یاد و در ذکر خدا بودن را قطعاً محکم‌تر می‌کرد، چرا که بانویی که حاضر می‌شود همه‌ی ثروت و جان و مال خود را در راه خدا بدهد و از همه‌ی هستی‌اش بگذرد، نشان دهنده‌ی ارتباط بسیار عمیق و محکم او با خداست، در روایت آمده پیامبر صلی الله علیه و آله در حضور خدیجه (سلام الله علیها) از نیروی ولایت خود استفاده و می‌خواستند دو چشمان زن نابینایی را شفا دهند، به همین جهت به آن زن نابینا گفتند: «قَطْعاً دُوْ عَشْمَانِ تُو بَايِدُ سَلَامَتِي خُودِ رَا بَدَسْتِ أُوْرِنْد.».

در این لحظه خدیجه (سلام الله علیها) چون هم خود زنی با خدا بود و می‌دانست پیامبر هم در نزد خدا دارای مقامی بالاست با قاطعیت گفت: «هَذَا دُعَاءٌ مُبَارَكٌ»؛ (۳) «این بینایی، نتیجه‌ی دعای پربرکت پیامبر صلی الله علیه و آله است.».

۲- شجاعت و کفایت

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) دارای امتیازات و ویژگی‌های شخصیتی بالایی بودند که موجب معنویت و مقدس بودن این زندگی بود از جمله فداکاری‌های شجاعانه و کفایت قهرمانانه‌ی هایش که مانند یاری مخلص و توانا با ایثار کامل، از پیامبر صلی الله علیه و آله حمایت می‌کرد و مایه‌ی آرامش و شادی قلب پیامبر صلی الله علیه و آله بود او همراه و همپای پیامبر صلی الله علیه و آله در گذر زمان پیش می‌رفت، دردها و رنج‌ها را شهادت‌مندانه به جان خرید و شجاعانه ایستادگی کرد و از روز آشنایی با پیامبر صلی الله علیه و آله تا بعثت و از بعثت تا گرایش به اسلام، و از آغاز مخالفت زور مداران با پیامبر و پیام او تا اوج فشار و درد منشی دشمن و تا محاصره‌ی همه‌جانبه و تبعید، همیشه و همه‌جا از مال و جان و اعتبارش مایه گذاشت و از پشتیبانی نهضت و پیشوای آن دریغ نکرد و لحظه‌ای از برق شمشیرها نترسید و با همه‌ی وجود نشان داد در راه عدالت.

خالصانه و شهادت‌مندانه در برابر بیداد می‌ایستد و از سرزنش هیچ سرزنش‌کننده‌ای فریبکار و ستم‌پیشه‌ای نمی‌هراسد. از جمله‌ی

نمونه‌های شجاعت این بانو در زندگی در قالب داستان عبارتند از:

- سال‌های آغاز بعثت بود، خدیجه (سلام الله علیها) می‌گوید:

پیامبر صلی الله علیه و آله از غار حرا به خانه برگشت، ولی بسیار ناراحت بودند، پرسیدم: «مَا الَّذِي آرَى بِكَ مِنَ الْكَابَةِ وَالْحَزَنِ مَا لَمْ أَرَهُ نِيكَ مُنْذُ صُحْبَتِي؟»؛ «ای پیامبر نشانه‌های اندوه را در چهره‌ات می‌بینم که هرگز از ابتدای زندگی مشترک تا حال تو را این طور محزون ندیده بودم علت چیست؟».

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود «يَحْزُنُنِي غَيْبُهُ عَلَيَّ»؛ «ناپدید شدن علی علیه السلام من را نگران کرده است.» علی علیه السلام از من جدا شد و معلوم نیست در کجاست [ماجرا از این قرار بود که عده‌ای از مسلمانان بر اثر دوری از گزند یورش مشرکین پراکنده شده بودند در این میان بین حضرت علی علیه السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز جدایی افتاده بود].

خدیجه (سلام الله علیها) به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد: «برشترم سوار می‌شوم و به جستجوی علی علیه السلام می‌پردازم تا به او برسم، مگر اینکه مرگ بین من و او فاصله بیندازد.».

خدیجه (سلام الله علیها) با شجاعت تمام سوار بر شتر خود شد و در کنار کوه‌های مکه به جستجو ادامه می‌داد. ناگهان در تاریکی، قیافه‌ی شخصی را دید، به او سلام کرد تا از صدای جواب سلام بفهمد که آیا او علی علیه السلام است یا شخص دیگری است.

او علی علیه السلام بود گفت: «و علیک السَّلَامُ... و بر تو باد سلام، آیا تو خدیجه (سلام الله علیها) هستی؟».

خدیجه (سلام الله علیها) گفت: آری، و بعد شترش را خواباند و به علی علیه السلام گفت: «پدر و مادرم به فدایت، سوار شتر شو.».

علی علیه السلام فرمود: «تو از من سزاوارتر هستی که بر شتر سوار شوی، پیش پیامبر صلی الله علیه و آله برو و به او خبر بده تا من پیام.».

خدیجه (سلام الله علیها) به خانه رسید، دید پیامبر صلی الله علیه و آله در کناری ایستاده و دست به سینه‌اش می‌کشد و سه بار این دعا را می‌خواند: «اللَّهُمَّ فَرِّجْ هَمِّي وَ بَرِّدْ كَيْدِي بِخَلِيلِ عَلِيِّ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ.»؛ (۴) «خدایا! اندوهم را برطرف کن و دلم را به دیدار خلیل و دوستم علی علیه السلام خنک کن.».

خدیجه (سلام الله علیها) به پیامبر گفت: «خداوند دعایت را مستجاب کرد، بر تو مژده باد.».

پیامبر صلی الله علیه و آله با شنیدن این مژده بلند شد و دست‌هایش را به سمت آسمان بلند کرد و یازده بار گفت: «شُكْرًا لِلْمُجِيبِ، شُكْرًا لِلْمُجِيبِ...»؛ (۵) «از درگاه خداوند اجابت کننده‌ی دعا، شکر و سپاسگزاری می‌کنم.» - از نمونه‌های دیگر شجاعت خدیجه (سلام الله علیها):

در سال ششم یا پنجم بعثت بود، که این آیات بر قلب پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد، که: «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ، إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ، الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ»؛ (۶) «پس تو به صدای بلند آنچه مأموری به خلق برسان و از مشرکان روی بگردان. همانا ما تو را از شرّ تمسخر و استهزا کنندگان مشرک محفوظ می‌داریم. آنان که با خدای یکتا خدایی دیگر گرفتند بزودی خواهند دانست.».

به خاطر همین رسول خدا صلی الله علیه و آله در مراسم حج بر بالای کوه صفا رفت، با ندایی بلند سه بار فرمود: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»؛ «ای مردم! من رسول خداوند پروردگار جهانیان هستم.».

مردم به سوی آن حضرت آمدند و متوجه او شدند، سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله بر بالای کوه مزوه رفتند و دستش را بر گوششان گذاشتند و سه بار با صدای بلند فرمود: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ»؛ (۷) «ای مردم! من رسول خدا هستم.».

در این هنگام بت پرستان با چهره‌ی خشم آلودی به او نگاه می‌کردند، ابوجهل آنچنان سنگی به سوی آن حضرت انداخت، که بین

دو چشمانش شکست، سایر مشرکین هم به دنبال ابوجهل به آن حضرت سنگ پرتاب می‌کردند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله با عجله به طرف کوه رفتند، و بر بالای آن به سنگی تکیه دادند، مشرکین باز هم به دنبال رسول خدا بودند و به هر طرف می‌دویدند. در این هنگام مردی پیش حضرت علی علیه‌السلام [در آن هنگام حدود سیزده سال داشت] آمد و گفت: «محمد صلی الله علیه و آله کشته شد.»

حضرت علی علیه‌السلام سراسیمه به خانه‌ی خدیجه (سلام الله علیها) رفت و در را کوبید، خدیجه (سلام الله علیها) پشت در آمد و فرمود: کیست؟ علی علیه‌السلام گفت: من هستم.

خدیجه (سلام الله علیها) پرسید: محمد صلی الله علیه و آله کجاست؟

علی علیه‌السلام گفت: خبر ندارم، ولی شنیدم که مشرکین او را سنگ باران کرده‌اند. حالا نمی‌دانم که او زنده است یا کشته شده است؟ مقداری آب و غذای «حیس» (که یک نوع حلوا بود از خرما و روغن و آرد درست می‌شد) به من بده و با من بیا تا به دنبال او برویم که مسلماً آنان تشنه و گرسنه است.

خدیجه (سلام الله علیها) غذا و آب را برداشت و از خانه بیرون آمد و همراه علی علیه‌السلام به طرف کوه حرکت کردند تا به کوه رسیدند، حضرت علی علیه‌السلام به خدیجه (سلام الله علیها) فرمود «تو به طرف دره‌ی کوه برو و من به بالای کوه می‌روم.»

علی علیه‌السلام فریاد زد: «ای رسول خدا صلی الله علیه و آله جانم به فدایت کجا هستی؟ و در کدام گوشه افتاده‌ای؟»

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) هم با آهی می‌گفت: «مَنْ أَحْسَنَ لِي النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى؟ مَنْ أَحْسَنَ لِي الرَّبِيعِ الْمُرْتَضَى؟ مَنْ أَحْسَنَ لِي الْمَطْرُودَ فِي اللَّهِ؟ مَنْ أَحْسَنَ لِي أَبِ الْقَاسِمِ؟» «چه کسی از پیامبر برگزیده برای من خبر می‌آورد؟ چه کسی از بهار پسندیده به من اطلاع می‌دهد؟ چه کسی از آن شخصی که در راه خدا رانده شده من را آگاه می‌کند؟ چه کسی از ابوالقاسم من را با خبر می‌نماید!؟»

در این لحظه جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آمد، وقتی که پیامبر صلی الله علیه و آله او را دید اشک از چشمانش سرازیر شد و فرمود: «می‌بینی که قوم من با من چه کردند؟ من را تکذیب کردند و از جامعه راندند، به من حمله کردند.»

جبرئیل عرض کرد: «ای محمد! دستت را به من بده» و بعد دست آن حضرت را گرفت و او را به بالای کوه نشانده و فرش مخملی بهشتی از زیر پرش بیرون آورد و آن را بر زمین کوه انداخت و پیامبر صلی الله علیه و آله را روی آن نشانده و بعد فرشتگان مقرب هر کدام پس از دیگری به خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌آمدند و از او اجازه خواستند، تا مشرکین را نابود و هلاک کنند، ولی پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «من به عنوان عذاب رسانی مبعوث نشده‌ام، بلکه به عنوان رحمت برای جهانیان برانگیخته شده‌ام: «دَعُونِي وَ قَوْمِي فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»؛ «من و قومم را به خود واگذارید، آن‌ها ناآگاه هستند.»

در این هنگام جبرئیل به حضرت خدیجه (سلام الله علیها) نگاه کرد که در کوه به دنبال گم‌شده‌ی خود است، به رسول خدا عرض کرد: «مَنْ رَبِّهَا وَ مَنْي السَّلَامُ، وَ بَشَرَهَا بَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ قَصَبٍ لَاضِحٍ فِيهِ وَ لَا نَصَبٍ.» «آیا به خدیجه (سلام الله علیها) نگاه نمی‌کنی که فرشتگان آسمان از گریه‌ی او گریه می‌کنند، او را صدا بزن، و سلام من را به او برسان، به او بگو خداوند به تو سلام می‌رساند، و او را مژده‌ی بهشت.»

بده که در آن خانه‌ای از یک قطعه‌ی بلورین ساخته شده و آراسته به طلا است، و در آن هیچ گونه زنج و نگرانی نیست.»

پیامبر صلی الله علیه و آله خدیجه (سلام الله علیها) را دید و او را صدا زد، در حالی که از صورت پیامبر صلی الله علیه و آله خون روی زمین می‌ریخت و پیامبر آن خون‌ها را پاک می‌کرد. خدیجه (سلام الله علیها) وقتی که به رسول خدا صلی الله علیه و آله نزدیک شد و چهره‌ی خون‌آلود او را دید با آهی جان کاه گفت: «پدر و مادرم به فدایت، بگذار قطرات خون چهره‌ات بر زمین بریزد.»

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «می ترسم، پروردگار زمین بر اهل زمین غضب کند».

وقتی که شب شد، پیامبر صلی الله علیه و آله از فرصت استفاده کردند و همراه علی علیه السلام و خدیجه (سلام الله علیها) به خانه رفتند خدیجه (سلام الله علیها) در خانه‌ی خود، آن حضرت را در حجره‌ای که دیوارهایش با سنگ ساخته شده بود، قرارداد و سقف آن را با تخته سنگ‌هایی پوشاند و در روبه روی آن حضرت ایستاد و او را در جامه‌اش پنهان کرد.

مشرکین آمدند و به سوی جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله سنگ می انداختند، و از هر طرف سنگ می آمد، دیوارها و سقف سنگی محل پیامبر، مانند سپر، مانع از آمدن سنگ‌ها می شد و آن سنگ‌هایی که از طرف روبه رو می آمدند، خدیجه (سلام الله علیها) با شجاعت و شهامت بسیار خود را سپر آن سنگ‌ها قرار می داد تا به بدن نازنین همسرش پیامبر صلی الله علیه و آله برخورد نکند در این هنگام خدیجه (سلام الله علیها) فریاد می زد: «ای گروه قریش! آیا زن آزاد را در خانه‌ی خود سنگ باران می کنید؟».

وقتی که مشرکین این فریاد را شنیدند، منصرف شدند و از آنجا رفتند.

فردای آن روز پیامبر صلی الله علیه و آله از خانه خارج شد و کنار کعبه رفت و در آنجا نماز خواند و به راز و نیاز با خدا پرداخت. (۸)

۳- حیا و عفت

عفت، یکی از صفات نفسانی است که شهوت نیروی سرکش را مهار می کند. عفت و حیا، تمام.

حرکات و سکناات و گفتار و قلم انسان را کنترل می کند تا آنچه را که دلش می خواهد نکند و هرچه را نفسش اراده کرد به قلم و زبان نیاورد و انجام ندهد. این حالت پسندیده‌ی روحی و روانی و این منش متریقی از ویژگی‌های انسان خردمند و خردورز است، از عوامل مهم و مؤثر روانی و مردمی در جلوگیری از قانون گریزی و مرز شکنی و خود کامگی و خودسری است و از راه کارها و ابزارهای لازم برای ساختن جامعه و تمدن و محیط و شرایط و فضای اجتماعی و سیاسی و قضایی و اقتصادی مطلوب برای تأمین حقوق و حرمت و آزادی و امنیت انسان‌ها و باعث وجاهت و زیبایی و کرامت و آبروی فرد و جامعه و خانواده و نظام در برابر خدا، خویشتن، افکار عمومی، و تاریخ است.

در کل حیا برای هر انسانی نیکو است، اما در بانوان و زنان نیکوتر و پسندیده‌تر است، این ویژگی شخصیتی در حضرت خدیجه (سلام الله علیها) نیز بسیار بارز و نمونه بود.

آن بانو در زندگی‌شان در برخورد با نامحرم همیشه از پشت پرده و حجاب صحبت می کردند، حتی در جلسه‌ی خواستگاریشان، به نقل تاریخ از پشت پرده صحبت می کردند مگر جایی که با پیامبر صلی الله علیه و آله صحبت‌های آخر را کردند. (۹)

از نمونه‌های دیگر عفت و حیا، مخصوصاً در شب‌هایی که پیامبر صلی الله علیه و آله نبودند، این بود که شبی که به امر الهی چهل شب را دور از همسر خود بودند، نوشته شده که این بانو سرخود را در هنگام شب می پوشاندند و پرده‌ی در را می انداختند و در خانه را می بستند. (۱۰)

این‌ها همه نشانه‌های عفت و حیاست، آن هم در زمان‌های جاهلیت و تیر و تاریک که چنین رفتارهایی را نمی توان در شخصی سراغ گرفت.

از بارزترین نمونه‌ی حیا و وقار خدیجه (سلام الله علیها) را می توانیم در لحظات آخر زندگی‌شان پیدا کنیم. او در آن لحظه خود را از خدا طلبکار می دانست و نه از پیامبر صلی الله علیه و آله، به همین خاطر از پیامبر صلی الله علیه و آله خواست که دعایش را بدرقه‌ی راه او کند، از درگاه الهی برایش آموزش بطلبد و قبل از به خاک سپردنش لحظاتی خود پیامبر صلی الله علیه و آله در قبر او وارد و با نماز و دعایش آنجا را پر از برکت کند.

پس از آن یک تقاضای مادی از همسرش داشت ولی احساس شرم و حیا به او اجازه می‌مطرح.

کردن آن را نمی‌داد، به خاطر همین پیامبر صلی الله علیه و آله، خدیجه (سلام الله علیها) و دخترش فاطمه (سلام الله علیها) را تنها گذاشت و بیرون آمد، او به دخترش گفت: «یا حبیبی و یا قَوتَهُ عَیْنی! قَولی لابیك انَّ اَنی تَقولُ اَنَا خَائِفَةٌ مِنَ الْقَبْرِ اُریدُ مِنْكَ رَدَائِكَ الَّذی تَلْبِسُهُ حینَ نُزولِ الوَحیِّ تَكْفِنِنی فیهِ»؛ «هان ای محبوب مادر، نور چشمم، به پدر گران قدرت بگو، مادرم می‌گوید من از خانه‌ی قبر، شب اول قبر و تنهایی در قبر نگرانم و می‌ترسم، از شما تقاضا دارم یکی از جامه‌های خود را که به هنگام فرود فرشته‌ی وحی و دریافت پیام خدا و راز و نیازهای شبانه می‌پوشیدید، به من هدیه کنید تا پس از مرگ، بدنم را با آن کفن کنم.» (۱۱)

فاطمه (سلام الله علیها) تقاضای مادر را به پدر گفت، و پیامبر صلی الله علیه و آله خواسته‌ی یارش را انجام داد و بلافاصله ردایش را به فاطمه (سلام الله علیها) دادند و او هم آن ردا را با خوشحالی پیش مادر برد.

برای پیامبر صلی الله علیه و آله این لحظات بسیار سخت بود، زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله به خدیجه (سلام الله علیها) خیلی علاقه داشت، خدیجه (سلام الله علیها) حتی در آخرین لحظات عمرش، حیا و عفتش، را که یکی از عواملی بود که گرمی و آرامش کانون خانواده و تداوم زندگی و عشق و علاقه به همسرش را بیشتر می‌کرد، حفظ کرد.

اصولاً نظام خانواده در اسلام بر پایه‌ی حیا و عفت و ایمان و تقوا استوار شده، اگر زن دارای حجاب و حیا باشد، شوهرش هم دارای چشم پاک و آرامش خاطر او خواهد بود، اما اگر زنی از بی‌بندوباری جهان غرب تقلید کند، نه تنها کانون گرم خانواده را به هم می‌زند بلکه در جهنم ابدی و دائمی خواهد سوخت.

۴- بخشندگی و سخاوت

- نمونه‌ی بارز بخشندگی و سخاوت خدیجه (سلام الله علیها) از همان زمانی که این پیوند مقدس شکل گرفت بیشتر به چشم می‌خورد، مخصوصاً آنجایی که به ورقه گفت: هرچه در دست من است از مال و عهده کردم به محمد، هر طور که می‌خواهد تصرف کند، پس ورقه فریاد زد: ای جماعت عرب، خدیجه (سلام الله علیها) خودش و مالش و بنده هایش و تمام آنچه که در ملک اوست را به پیامبر هبه کرد.

- زهری می‌گوید: «خدیجه (سلام الله علیها) به پیامبر صلی الله علیه و آله انفاق کرد، ۴۰ هزار، ۴۰ هزار» (۱۲)

- پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در مورد بخشش و بزرگی او فرمایشاتی دارند از جمله: «ما رَأیتُ مِنْ صَاحِبَةٍ».

لَا جِرَّ خَیْراً مِنْ خَدِیجَه، مَا لَنَا نَزَجُ اَنَا وَصَاحِبِی الْاَوْجَدْنَا عِنْدَنَا تُحَفَةً مِنْ طَعَامٍ تَجِبَاهُ لَنَا؛ (۱۳) «من کارفرمایی پرمهرتر و حق شناس تر و بهتر از خدیجه (سلام الله علیها) نسبت به کارکنان و کارگزارانش ندیدم. هرگاه من و دوستم پس از کار، پیش او می‌رفتیم، می‌دیدیم غذایی گوارا برای ما آماده کرده و آن را به ما هدیه می‌داد و بزرگ من شانه و انسانی رفتار می‌کرد.»

- در جریان محاصره‌ی چندساله‌ی پیامبر به همراه یاران هاشمی و دیگران در دره‌ی ابوطالب (شعب ابوطالب) یکی از عوامل پایداری پیامبر صلی الله علیه و آله و مردم با ایمان، بخشندگی و بزرگی منشی و سخاوت جناب ابوطالب و جهاد مالی خدیجه (سلام الله علیها) بود که گفته‌اند: «وَأَنْفَقَ أَبُو تَالِبٍ وَ خَدِیجَةُ جَمِیعَ مَا لَهُمَا»؛ (۱۴) «ابوطالب و خدیجه برای نجات مردم، همه‌ی ثروت و امکاناتشان را در این راه خرج کردند.»

- به این اساس است که بسیار در تاریخ آمده: «كَفَاهَا شَرَفًا فَوْقَ شَرَفِ اَنَّ الْاِسْلَامَ لَمْ یَقُمْ اِلَّا بِمَالِهَا وَ سَیْفِ عَلِیِّ بْنِ اَبِی تَالِبٍ كَمَا رَوِی مُتَوَاتِرًا»؛ (۱۵) «همین افتخار و شرافت که برترین افتخار و شرافت است برای خدیجه (سلام الله علیها) بس که آیین اسلام پا نگرفت و کمر راست نکرد مگر با ثروت خدیجه (سلام الله علیها) و شمشیر علی علیه السلام چنان که این مطلب به طور متواتر (یعنی بسیار که موجب علم است) نقل شده است.»

پی‌نوشت‌ها

- ۱- سید بن طاووس حسنی، منهج الدعوات، ص ۵؛ ابراهیم بن علی عامل کفعمی، مصباح کفعمی، ص ۳۰۲؛ سید بن طاووس، الإقبال، ص ۱۳۷.
- ۲- طوسی، امالی طوسی، ص ۱۷۵؛ راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۵۲۹؛ سیدهاشم بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن. ج ۳، ص ۴۹۳؛ محمد رضا قمی مشهدی، تفسیر کنز الدقائق و بحرالقرائب، ج ۷، ص ۳۴۹؛ ابن حجر عسقلانی، الاصابه فی معرفه الصحابه، ج ۸، ص ۱۰۲؛ محمد بن یوسف صالحی شامی، سبل الهدی و ارشاد فی سیره خیر العباد، ج ۱۱، ص ۱۵۷.
- ۳- ابن مقزلی شافعی، مناقب الامام علی ابن البیطالب، ج ۱، ص ۸۳؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۱۷.
- ۴- ابوالقاسم فرات بن ابراهیم کوفی، تفسیر فرات کوفی، ص ۵۴۷؛ سیلاوی، الانوار الساطعه من الغراء الطاهره خدیجه بنت خویلد، ص ۳۴۸.
- ۵- عمادالدین طبری، بشارت المصطفی، ص ۲۱۷.
- ۶- سوره حجر (۱۵)، آیات ۹۴ تا ۹۶.
- ۷- سیلاوی، همان، ص ۱۵۹، برگرفته از بحار انوار، ج ۱۸، ص ۲۴۱.
- ۸- محمدباقر مجلسی، همان، ج ۱۸، ص ۲۴۳؛ محمدصادقی تهرانی، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، ج ۱۶، ص ۲۴۸؛ عزالدین ابن اثیر، اسد الغابه، ج ۶، ص ۸۶؛ ابن حجر عسقلانی، همان، ج ۸، ص ۱۰۲؛ احمد بن علی مقریزی، امتاع الاسماع، ج ۶، ص ۲۵؛ محمد بن یوسف صالحی شامی، همان، ج ۷، ص ۱۴۸؛ علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج ۱، ص ۵۰۸.
- ۹- سیلاوی، همان، ص ۱۰۰؛ محدث نوری، مستدرک وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۰۳؛ محمدباقر مجلسی، همان، ج ۱۶، ص ۶۹؛ ذبیح الله محلاتی، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۱۴.
- ۱۰- علی بن یوسف حلّی، العدد القویة، ص ۲۱۹؛ سیلاوی، همان، ص ۱۲۷.
- ۱۱- سیلاوی، همان، ص ۳۷۵؛ ذبیح الله محلاتی، همان، ج ۲، ص ۲۰۳.
- ۱۲- محمدالحسون، اعلام النساء، ص ۳۲۱.
- ۱۳- ابن سیدالناس، عیون الأثر، ج ۱، ص ۶۴؛ یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۱، ص ۲۱۱؛ بیهقی، دلائل النبوه، ج ۱، ص ۹۰.
- ۱۴- قطب الدین راوندی، همان، ج ۱، ص ۸۵؛ محمدباقر مجلسی، ج ۱۹، ص ۱۶.
- ۱۵- عبدالله مامقانی، تنقیح المقال من فضل النساء، ج ۳، ص ۷۷.

جلد ۲

۵- شریک و مشاور همه

مشارکت و همکاری در خانواده خود یک نوع محبت کردن است که زندگی را شیرین و شیرین تر می کند، خدیجه (سلام الله علیها) شریک و مشاور واقعی پیامبر صلی الله علیه و آله بودند مخصوصاً در دغدغه‌های پیامبر، وزیری توانا و کارآمد بودند، همواره همدم، مونس، یار مخلص و شریک و غم خوار پیامبر بودند، هر حادثه‌ای که موجب ناراحتی پیامبر می شد، خداوند به وسیله‌ی خدیجه (سلام الله علیها) گشایش در کار او ایجاد می کرد و او موجب تسکین و رفع اندوه، و آرامش پیامبر می شد و این برنامه تا پایان عمرشان ادامه داشت و کم نمی شد، و در همه‌ی صحنه‌های پرخطر و سرنوشت ساز، همچون: اعلام بعثت و دعوت در آن فضای پر از تعصب و تاریک اندیشی، در اقامه‌ی نماز و فرهنگ آن، در دعوت بستگان و نزدیکان (۱۶)، در بیعت با خدا و دین و

آیین و پیامبر، آن بانو در تمام مشکلاتی که در طول زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله رخ داد مخصوصاً در سال‌های پس از انگیزش پیامبر به رسالت و پس از دعوت آسمانی او و فرود آیات که با نفی پر ظالمانه بیدادگران همراه بود، نه تنها یار و یاور پیامبر بود، بلکه مانند مادری پرمهر و خردمند برای تمام مسلمان‌ها مایه امید و پشت گرمی و قوت قلب و پناه و پشتیبان بود و با شکیبایی قهرمانانه، تحمل و مدارای عالی، سرمشقی برتر برای همه طالبان آن زمان و همه‌ی زمان‌ها بود.

خدیجه (سلام الله علیها) همیشه همتای زندگی خود، پیامبر را به پایداری و مقاومت مشورت می‌داد و با مهر و درایت، دردها و رنج‌های اجتماعی پیامبر را آرام می‌کرد و به یاری خدا به او راه حل و انگیزه می‌داد. نقش خدیجه (سلام الله علیها) در همراهی و همفکری و مشورت با پیامبر و مردم آزادی خواه از اوایل روزهای بعثت تا آخرین لحظات زندگی‌اش طوری بود که بار حلت آن بانو، نه تنها پیامبر و علی علیه السلام و مسلمانان، بلکه دوست و دشمن فهمیدند که اسلام پشتیبانی پر اعتبار و پیامبر، یار و مشاور و وزیری بهتر و توانمند و مردم مسلمان پناهگاهی استوار چون خدیجه (سلام الله علیها) را از دست داده‌اند. (۱۷)

و در این مورد آورده اند که: «وَكَانَتْ خَدِيجَةُ وَزِيرَةً صِدْقٍ عَلَى الْإِسْلَامِ، وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ يَسْتَكْنُ إِلَيْهَا.»؛ (۱۸) «خدیجه (سلام الله علیها) وزیر راستین اسلام و مشاور خردمند و شجاع پیامبر بود، و آن حضرت به حمایت او بر انبوه مشکلات موفق می‌شود و آرامش پیدا می‌کرد.».

۶- صبر بر مشکلات

این بانوی جمال و کمال در دوران دشواری و سختی و درگیر و دار مشکلات طاقت فرسا که در زندگی‌اش با پیامبر رخ می‌داد و شکیباترین و پرتحمل ترین مددکار بود و در برابر همه‌ی رویدادهای سخت و پی در پی سنگ صبور و حتی آرامش بخش دل پیامبر و اطرافیان بود.

مشکلات و سختی‌ها از سخن‌های گزنده و موضع گیری‌های زننده و جسارت و اهانت و دروغ انگاری به پیامبر و خانواده‌ی پیامبر تا بی‌اعتنایی‌هایی که از طرف زنان جاهل مغرض قریش به خدیجه داشتند که چرا با آن همه حشمت و شوکت با یتیم ابوطالب، محمد صلی الله علیه و آله که تهی دست و فقیر است.

ازدواج کرده، همه و همه را در قلب خود می‌فشرد و صبر می‌کرد ولی مشکلات اینجا ختم نمی‌شد و این زنان حتی تا بعد از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله با خدیجه (سلام الله علیها) قهر بودند و خدیجه (سلام الله علیها) همچنان به این سختی‌ها صبر کرد و البته این صبر بی نتیجه نبود چون وقتی زمان وضع حمل زهرا (سلام الله علیها) رسید خداوند با فرستادن چهار بانوی بهشتی او را مورد رحمت و لطفش قرار داد. (۱۹)

این بانو همچنین سال‌هایی طولانی شکنجه‌های جسمی و روحی دژخیمان مخالف را که بر همتای گرامی‌اش به خاطر دعوت به توحید و تقوا و رعایت مقررات خدا و حقوق بشر بود، تحمل کرد و همراهی پیامبر را به هیچ بهایی از دست نداد و با پذیرش تبعید و محاصره و تحمل گرسنگی و روزهای دشوار و بیداری شب‌های پر ترس و وحشت بر توفیقات خود می‌افزود. (۲۰)

خدیجه (سلام الله علیها) صبر بر مصیبت‌های جان‌سوز دیگری در طول زندگی‌اش کرد، از جمله از دست دادن دو پسرش قاسم و عبدالله بود، خدیجه (سلام الله علیها) به این مصیبت‌ها گریه می‌کرد ولی همیشه هیچ صبوری بدون نتیجه نمی‌ماند؛ پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی بی‌تابی خدیجه (سلام الله علیها) را دید به او فرمود: «يَا خَدِيجَةُ أَمَا تَرْضَيْنَ إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنْ تَجِيءَ إِلَى بَابِ الْجَنَّةِ وَهُوَ قَائِمٌ فَيَأْخُذُ بِيَدِكَ وَيُدْخِلُكَ الْجَنَّةَ وَيُنْزِلُكَ أَفْضَلَهَا وَذَلِكَ لِكُلِّ مُؤْمِنٍ إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَحْكَمُ وَأَكْرَمُ أَنْ يَسْلُبَ الْمُؤْمِنَ ثَمَرَةَ فُؤَادِهِ ثُمَّ يَعْذِّبُهُ بَعْدَهَا أَبَدًا.»؛ (۲۱) «ای خدیجه، آیا خشنود نمی‌شوی هرگاه روز قیامت شود جلو در بهشت برسی، آن کودک در آنجا ایستاده باشد و دستت را بگیرد و تو را به عالی‌ترین خانه‌ی بهشت جای دهد؟ این برنامه برای هر انسان با ایمانی وجود

دارد، خداوند متعال بزرگوارتر است که میوهی دل مؤمنی را بگیرد و او صبر و تحمل کند، و در راه خدا به حساب آورد و خدا را حمد و شکر کند، با این وصف خدا او را عذاب کند!؟».

۷- مهر و حق شناسی

زندگی خدیجه (سلام الله علیها) در شرایط جدید، هر روز زیباتر و با لطافت تر می شد، چرا که فضای زندگی اش لبریز از عشق و خرد و خداپرستی و انسان دوستی و شایستگی و درایت بود.

او به همتای زندگی اش مهر و عشقی آسمانی داشت و او را در اندیشه و کارها با تمام وجود یاری می کرد و در ابعاد مختلف زندگی، از نظر فرهنگی و اخلاقی و منش فردی و اجتماعی با او صحبت می کرد و در همه ی کارها با او دوستانه و قهرمانانه بود. راستی اگر زندگی خانوادگی بر اساس هماهنگی در اندیشه و هدف و همگرایی در آرمان و ادب تشکیل شود، در تمام مراحل آن مهر و عشق، رعایت حقوق متقابل و ارزش های مهم شخصیتی مخصوصاً حق شناسی و کم توقعی حاکم باشد، چقدر دوست داشتنی و سعادت‌مندانه خواهد بود.

این ویژگی در خدیجه (سلام الله علیها) بسیار بارز بود، چرا که او تا اندکی از اندیشه و منش بالا و موقعیت شکوه بار همسر خود در بارگاه خدا، و آینده ی درخشان او آگاه بود. به خاطر همین مانند یک زن نواندیش و با ادب، بلکه بهتر و بیشتر از آن، به همسرش احترام می گذاشت و در برابر او سراپا گوش و هوش و عشق و حق شناسی بود و تلاش می کرد آن طور که باید و شاید قدرشناس باشد.

در این زندگی حق شناسی و مهر و علاقه دوطرفه و متقابل بود، هم خدیجه (سلام الله علیها)، محمد را خردمندترین، تواناترین، گرامی ترین، عزیزترین، امانتدارترین، پاک ترین، پروا پیشه ترین با معنویت ترین و آراسته ترین انسان ها می دید و در مقابل محمد صلی الله علیه و آله نیز، خدیجه (سلام الله علیها) عشق می ورزید و احترام می گذاشت، احترامی که شایسته و بایسته و وصف ناپذیر بود.

این تکریم و حق شناسی محمد به خدیجه هم، نه تنها به خاطر ویژگی های بارز شخصیتی او یعنی معنویت و هوشمندی و نواندیشی و پاک منشی و... در زندگی بود بلکه به این خاطر بود که او را سالار دختران و زنان می دید، مادر نسل ماندگارش بود و فرهنگی از فضیلت ها، و مجموعه ای از عظمت ها و ارزش های بالایی بود، ارزش هایی که اگر تنها یکی از آن ها در زنی وجود داشته باشد، شایستگی قدرشناسی دارد.

پیامبر صلی الله علیه و آله به خاطر عشق و علاقه ی متقابل هر جا می دید عده ای تلاش می کنند تا موقعیت والا و جایگاه خدیجه را در قلب پیامبر صلی الله علیه و آله پایین بیاورند یا از بین ببرند، پس از پند و اندرزها و ظرافت های تربیتی و اخلاقی، با صراحت و ظرافت، می فرمود: «کار عشق آن بانو، خدایی و آسمانی است، نه زمینی و زودگذر».

عایشه می گوید: «به هیچ کدام از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله مانند خدیجه اش، احساس حسادت نکردم. چون او در قلب پیامبر، به طور خاص بود، به طوری که پیامبر صلی الله علیه و آله نه تنها خدیجه، بلکه هر کس و هر چه را که نشان از خدیجه داشت را می دید، به چشم دیگری نگاه می کرد.».

او هر وقت هدیه ای داشت، ابتدا سهم دوستان خدیجه را می فرستاد. یک بار به این کار او اعتراض کرد که: چقدر از شکوه و عظمت خدیجه می گویی!؟

آن حضرت فرمود: «إِنِّي رَزَقْتُ حَبَّهَا.»؛ (۲۲) «خدا عشق او را رزق و روزیم ساخته است.».

و برای عایشه روشن کرد که نه تنها خود خدیجه و منش او را، بلکه دوستان او را نیز دوست دارد: «إِنِّي لَأَحِبُّ حَبَّيْهَا.» (۲۳)

۸- ایجاد فضای پربرکت و معنوی در خانه

جامعه‌ها و تمدن‌ها در راه رشد و کمال به تدریج به ارزش‌های اخلاقی و انسانی، بها داده‌اند و به پاکی و آزادگی و آراستگی به فضیلت‌ها اهمیت داده‌اند، به خاطر همین برخی مکان‌ها و زمان‌ها مورد تجلیل و احترام قرار می‌گیرند و برای آن‌ها حریم و حرمتی در نظر گرفته می‌شود.

در نگرش اسلامی هم، همه‌ی مسجدها مخصوصاً «مسجدالحرام» مورد توجه قرار گرفته و برای حفظ حرمت آن، مقررات ویژه‌ای قرار داده‌اند که مثلاً از ورود آلودگان به وبای شرک و میکروب کفر و حق ستیزی جلوگیری شود.

خانه‌ی خدیجه (سلام الله علیها) هم یکی از آن مکان‌های مقدس است، که به خواست خدا، و تلاش‌ها و تدبیرهای خود خدیجه (سلام الله علیها)، این سرای سعادت و سعادت‌زا و پربرکت و با معنویت و تاریخ ساز باقی ماند.

که به گواهی محدثان و تاریخ‌نگاران این خانه‌ی مبارک پیش از اسلام و فرود وحی و بعثت پیامبر، خانه‌ی پاکی و پروا بود چرا که بانویی در آن زندگی می‌کرد که همه و همه، آشنا و بیگانه و کوچک و بزرگ او را «طاهره»، پاک روشن و پاک منش می‌شناختند، او در این خانه، به انفاق و رسیدگی به محرومان و درماندگان جامعه و انجام کارهای شایسته‌ای که از آموزه‌های پیامبران پیشین و کتاب‌های آسمانی، یاد گرفته، می‌پرداخت.

- همچنین این خانه پیش از اسلام این سعادت و لیاقت را داشت که کانون مهر و محبت به محمد صلی الله علیه و آله گردید، خدیجه با نهایت صفا و اخلاص آن حضرت را به زندگی مشترک و پیوند مبارک.

دعوت کرد و او نیز پس از خانه‌ی ابوطالب آن خانه را برای زندگی خانوادگی انتخاب کرد و این خانه را پربرکت‌تر نمود.

به این ترتیب آن خانه، به عنوان پناهگاه برترین افراد یعنی پیامبر از شورش دژخیمان و تاریک اندیشان تبدیل شد، و خدیجه (سلام الله علیها) با تمام سعی خود به آن مرد زندگی‌اش پناه داد و همه‌ی اعتبار و جاهت و نفوذ اخلاقی خود را برای تأمین سلامت و امنیت فدا کرد، با گذشت زمان آن خانه با معنویت تر می‌شد. همچنین مکانی شد برای عروج پیامبر به سفر، یا سفرهای معراج بود، و آن حضرت از آنجا به «مسجدالاقصی» برای عروج به آسمان‌ها و عالم بالا رفت و محل برگشت آن حضرت هم دوباره همان خانه بود به این ترتیب اسلام در آن خانه ظهور کرد و پناهگاه مسلمانان هم شد.

- حضرت خدیجه (سلام الله علیها) در این خانه بود که یگانه دختر پیامبر صلی الله علیه و آله، حضرت زهرا (سلام الله علیها) را به دنیا آورد، و محل رشد و شکوفایی شخصیت پر معنویت آن دختر و محل انس و الفت او با مادرش خدیجه شد. این مکان محل دوران خردسالی و کودکی و نوجوانی و جوانی علی علیه السلام و محل رشد و تربیت او هم بود.

از همه‌ی این‌ها برتر و بالاتر، آن خانه محل فرود فرشته‌ی وحی و رفت و آمد فرشتگان بود، که گروه به حضور پیامبر می‌آمدند و می‌رفتند. در سال‌های اولیه‌ی بعثت که شرک‌گریان و محافظه‌کاران و مخالفان تحول و دگرگونی جامعه که بر آزادی و امنیت او هجوم می‌آوردند، تنها آن خانه بود که کانون امن و امان و محل پرستش خلوت و آرام آن حضرت و خدیجه و علی علیه السلام و برخی از پیشگامان دیگر بود.

و به دنبال این مشکلات بود که شبی پرخطر اتفاق افتاد و امیرالمؤمنین جان خود را به خطر انداختند و برای تضمین سلامت و امنیت پیامبر، بر رختخواب پیامبر که از همین خانه بود خوابید و به آن افتخار بزرگ رسید و پیامبر توانستند از حلقه‌ی محاصره‌ی دشمن به سوی غار «حرا» و از آنجا به سمت مدینه رفتند، و دختر گران‌مایه اش فاطمه (سلام الله علیها) در این بحران در آن خانه ماند و خدا می‌داند که در آن شب سخت چه وحشت و دلهره‌ای بر او حاکم شد و تنها این خانه بود که سرای ایمان، مبدأ هجرت، و شاهد دغدغه‌ها و دلهره‌های فاطمه (سلام الله علیها) است.

این نکات مهم و سرنوشت ساز در مورد این خانه، هر کدام نشان دهنده‌ی آن است که خدیجه و خانه‌ی او دارای چه شایستگی و برازندگی بوده است و چه درایتی و مدیریتی داشته که توانسته این خانه را این طور با معنویت حفظ کند و این رویدادهای بزرگ و تاریخ ساز در آن اتفاق بیفتد.

چرا که مسلماً تردیدی نیست که این رویدادهای مقدس و آسمانی، در مکان پاک و پاکیزه و با معنویت اتفاق می‌افتد، نه در جایی که مقدس نباشد.

پس وظیفه‌ی مردم و عالمان فرهیخته و زمامداران کشورهای مسلمان نشین است تا با کسب موافقت و همکاری دولت حجاز، این اقامتگاه پر معنویت را به طور دقیق پیدا کنند (۲۴)، و آن را آباد کنند و بسازند، تا زائران خانه‌ی خدا در سفر حج و عمره، در آنجا به پرستش خدا و نیایش پردازند، و ضمن استفاده از برکات آن خانه با ویژگی‌های شخصیتی خدیجه (سلام الله علیها) آشنا شوند و فکر کنند که چطور می‌شود خود و دنیای خود را بشناسند و با الگوگیری زندگی و ازدواج آن بانو، با بهترین سبک زندگی تشکیل دهند و موفق باشند.

از امام باقر علیه السلام آورده اند که: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ لَمَّا أُسْرِيَ بِهِ نَزَلَ جَبْرَائِيلُ بِالْبُرَاقِ... عَلَى بَابِ خَدِيجَةَ...»؛ «به هنگام فرار رسیدن لحظه‌ی سفر وصف ناپذیر معراج، فرشته‌ی وحی آن مرکب ویژه را به در خانه‌ی خدیجه آورد... و پیامبر پس از نشستن به آن به سوی قدس شریف رفت و در آنجا پیامبران خدا به پیشواز آن حضرت آمدند؛ و با اذان فرشته‌ی وحی، همگی بر پیامبر اقتدا کردند و نماز خواندند...».

در مورد آن خانه‌ی پر معنویت آمده: «وَمَسَّيَتْحُبُّ فِي مَكَّةَ التَّشْرِيفُ فِي مَنْزِلِ خَدِيجَةَ»؛ (۲۵) «و از کارهای پسندیده در مراسم حج و تشریف به مکه، دیدار از خانه‌ی پرخاطره‌ی خدیجه (سلام الله علیها) و زیارت آن است.».

۹- قدرت مدیریت

اسناد تاریخی نشان می‌دهد که حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، زن شریف و ثروتمند و صاحب امکاناتی بود که به تجارت گسترده‌ای مشغول بود. کارگزاران و کارمندان و عوامل اجرایی را، از میان انسان‌های سالم و امانت دار و درستکار و آزمون شده استخدام می‌کرد و خودشان هم در مرکز و خانه و محل کارش می‌نشست و این کاروان تجارتي را با مدیریت قوی خود هدایت می‌کرد و به کارهای اقتصادی خود می‌رسید.

با دقت در انتخاب وقت و فرصت، نوع کالا و مقدار آن، حرکت و بازگشت و توقف کاروان را با آگاهی از زمان و مکان، طوری تنظیم و تدبیر و برنامه ریزی می‌کرد که مورد تحسین کاروان بزرگ تجارتي‌اش می‌بود.

از یمن به حجاز می‌رفت و از حجاز به شام و دیگر مراکز مهم اقتصادی و تجاری، و سود سرشار و عادلانه و فراوانی به دست می‌آورد.

اگر به شرایط آن روز جهان و دنیای عرب و قلمرو حجاز در آن زمان آشنا باشیم، و نیز اگر اسارت و محرومیت کامل «زن» از حقوق انسانی و اجتماعی‌اش را به یاد آوریم، و زنده به گور کردن دختران را بدانیم، آنگاه اداره‌ی امر مهم اقتصادی به وسیله‌ی یک دختر هوشمند و پاک منش و به مدیریت توانمند و ظریف او، ما را به شخصیت و ویژگی معنوی و برجسته و ابتکار او در کارها و روح مدیریت و سازنده‌ی او آشنا تر می‌کند که واقعاً او در آن روزگورها، خردمندترین و مدبرترین و کارآمدترین زنان بود.

از همه مهم‌تر او بر طبق رسم رایج بازار آن زمان، یعنی احتکار و انحصار، کم فروشی و فریب، رباخواری و بهره‌کشی‌های ظالمانه‌ی رایج و از هر نوع حرام خو ارگی مرئی و نامرئی و سوءاستفاده از فرصت و اعتبار و امکانات برای انباشتن ثروت دوری

می‌کرد و کار پر شرافت خود را به این گناهان بزرگ آلوده نمی‌کرد و به کارگران و کارمندان و مدیران خود نیز هشدار می‌داد که داد و ستد و سود و درآمد را با صداقت و هوشمندی و از راه‌های مشروع و عادلانه‌ی تجارت و صادرات و واردات و خدمت به کشور و ملت و تعهد و تخصص به دست آورند.

او به دلیل همین ویژگی‌های برجسته‌ی اخلاقی و انسانی و مدیریت منطقی و خردمندانه نه تنها اعتماد بازارهای داخلی، بلکه بازارهای منطقه‌ای را هم به دست آورده بود و راه پیشرفت و ترقی و رشد را برای دیگران هم باز می‌کرد، در نتیجه راه‌های موفقیت او بازتر می‌شد و مورد استقبال بازارهای مصر و یمن و شام و حبشه و... قرار می‌گرفت. (۲۶)

۱۰- ابتکار و استقلال جویی

استقلال جویی و استقلال طلبی و استقلال اندیشی این بانو از لابه لای رفتار و کردار شایسته‌اش پیدا می‌شود، و این از برجستگی‌ها و امتیازات بلند او بشمار می‌رود. چرا که اگر انسان از نظر فکر و اندیشه، متکبر و مستقل نباشد، نمی‌تواند در میدان عمل و تجارت و مدیریت و حساس‌ترین لحظات تصمیم‌گیری، به طور مستقل فکر کند و عمل کند.

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) بر اساس این ویژگی بود که ده‌ها خواستگار دارنده‌ی زر و زیور و کاروان تجارتنی و صاحب امکانات را قبول نکرد و به همه‌ی آنها «نه» گفت و طوری عمل کرد که همه فکر کردند او تصمیم به ازدواج ندارد، اما وقتی که او با انسانی امین و پاک‌دل و متفکر و شایسته کردار و روحی بزرگ یعنی محمد صلی الله علیه و آله آشنا شد، همه‌ی آداب و رسوم جاهلی و خرافی را مسخره کرد و خود پیشنهاد ازدواج به محمد داد.

و وقتی غوغایی از هیاهو و جنجال به راه افتاد که دختر ثروتمند و مقتدری چون شما با جوان تهی دستی چون محمد نباید ازدواج کند، با قدرتی استوار و ابتکار، ایستاد و همه‌ی ثروت و امکانات خود را به محمد صلی الله علیه و آله بخشید و نشان داد که حُسن انتخاب، حُسن عاقبت، سعادت، شخصیت، عظمت، شکوه و... چیزی است که برای به دست آوردن آن نه تنها پول، کاروان تجارتنی، زر و زیور، شهرت و قدرت، مهم نیست، بلکه باید از هستی گذشت.

یکی از اسناد تاریخی آورده است که: «وَكَانَتْ خَدِيجَةُ امْرَأَةً حَازِمَةً نَبِيلَةً شَرِيفَةً... قَالَتْ: يَا بَنِي عَمِّ! إِنِّي رَغِبْتُ فَيْكَ لِغِرَابَتِكَ مِنِّي وَ شَرَفِكَ مِنْ قَوْمِكَ وَأَمَانَتِكَ عِنْدَهُمْ وَصِدْقِ حَدِيثِكَ وَحُسْنِ خُلُقِكَ...»؛ (۲۷) «خدیجه (سلام الله علیها) به راستی بانویی خردمند و خردورز و بسیار پر شرافت بود. او در روزگار خود از نظر ریشه و تبار از بهترین‌های قریش بود و از نظر ثروت و امکانات، ثروتمندان آن‌ها بود. بسیاری از چهره‌های سرشناس عرب و عجم برای پیوند با او سخت می‌کوشیدند و خواستگار بی‌قرار او بودند اما او به آنان پاسخ منفی داد و در همان حال خود با هوشمندی و آینده‌نگری به خواستگاری پیامبر رفت و گفت: من به خاطر خویشاوندی و همفکری و به دلیل شرافت، امانت، راستی و منش شایسته‌ات دل در گرو مهر تو دارم و به آن هستم که اگر پذیری با تو پیمان زندگی مشترک امضا کنم.»

۱۱- هدف‌داری و فداکاری

این ویژگی را می‌توان در تمام ویژگی‌های بارز خدیجه (سلام الله علیها) دید، زندگی پرفراز و نشیب او نشانه‌ی آن است که به دنبال هدف پاک و صاف و بلند و درخشانی بود. هدفی بالاتر از زر و زیور دنیا و کاروان‌های تجارتنی و... هدفی بالاتر از زندگی روزمره و خور و خواب، و هدفی ارجمندتر از آسایش و آرامش و شخصی و خانوادگی.

این بانو مانند موج بی‌قراری بود که در راه هدف، آرامش نداشت ولی وقتی به ساحل وجود محمد صلی الله علیه و آله رسید و در آن جا به عدالت خواهی و حق و ایمان و اخلاص، پاکی و امانت، نجابت و شرافت، بشردوستی و کرامت، وجدان و فطرت و دیگر

ارزش‌های انسانی و خداپسندانه را دید خود را در نزدیکی هدف دید.

و از اینجا می‌توانیم به راز احترام بسیار پیامبر به «خدیجه» برسیم، به این که پیامبر چقدر او را دوست داشتند و به او احترام می‌گذاشتند، در فراز و نشیب زندگی، توفان‌های اجتماعی و فرهنگی، او را از مشاوران خود می‌دانستند و از دیدگاه‌های او استفاده می‌کردند. (۲۸)

و همیشه نیکی‌های «خدیجه» بر زبان پیامبر بود و برای هر کس که از آن بانو خاطره‌ای داشت، احترام قائل بودند. بسیار در تاریخ آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمودند: «خَدِجَةُ وَأَيْنَ مِثْلُ خَدِجَةَ؟...»؛ (۲۹) «از خدیجه سخن گفتید، کجا مانند او پیدا می‌شود؟...».

۱۲- حق جویی و حق پذیری

در این دنیا خیلی از افراد هستند که مستی‌های گوناگون، آفت جانشان می‌شود و نعمت‌های زندگی بلائی وجودشان و رزق و روزی‌های خدا، زهر تلخ و موجب مرگشان می‌شود. یکی در اوج زیبایی و تناسب اندام است، و همان مستی زیبایی و ماهرویی، آفت جاننش می‌شود. دیگری غرق در ثروت و امکانات است و از در و دیوار و آسمان و زمین برایش می‌ریزد، ولی همان ثروت و دارایی او را به تباهی و نابودی می‌کشاند. سومی در اوج اقتدار است و روزگار بر وفق مُرادش است، و این چرخش یکنواخت روزگار و احساس بی‌نیازی، او را از چرخش ناگهانی آن غافل ساخته و به طغیان می‌کشاندش. چهارمی مست جوانی است، و این نیروی جوشان و خروشان، قاتل جان و ایمان و خروش می‌شود. یکی دریای موج آگاهی‌ها و دانش‌هاست و در مستی آن غرق است و دیگری در اوج شهرت است و همان آلت قتاله شخصیت او می‌شود. یکی بر کرسی قدرت و فرمانروایی جا خوش کرده و همان ریاست و راحتی، او را به خودکامگی و طغیان می‌رساند و دنیا و آخرتش را می‌سوزاند و او را از راحتی به ناراحتی می‌رساند. همین طور می‌توان شمرد و تمام هم نمی‌شود... اما این بانوی بلندمرتبه، با اینکه غرق در زر و زیور، جمال و کمال، شور و شعور، عقل و درک، شهرت و آواز، و استقلال و... بود، از آفت‌ها و مستی‌های آن‌ها خود را حفظ کرد چرا که دارای روح حق‌پذیری و حق‌جویی بود، به خاطر همین هم نخستین ایمان آورنده‌ی به خدا و پیامبر از زنان و پیشگام‌ترین در اسلام و نماز و هجرت و جهاد و فداکاری بود.

سپس پاداش این حق‌پذیری هم این بود که خدای پرمهر و بنده نواز، به فرشته‌ی وحی فرمان داد که در وقت فرود بر پیامبر صلی الله علیه و آله، درود و سلام او را هم به وسیله‌ی بنده‌ی برگزیده‌اش به خدیجه (سلام الله علیها) برساند، تا ثابت شود که خدا به پاداش آن ایمان خالص و ژرف و آن اعمال شایسته و پایدار، مقرر زیبایی در بهشت برای او آماده کرده است (وَبَشِّرْهَا بَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ قَصَبٍ لَاضِحٍ فِيهِ وَلَا نَصَبٍ...)(۳۰)

۱۳- درایت و خردمندی

نعمت خرد و خردمندی و خردورزی درست، یعنی نگاه متفکرانه بر پدیده‌های آفرینش و شناخت روابط آن‌ها، یعنی دقت در سازمان وجودی خودمان، یعنی هدف‌داری و هدف‌شناسی و آراستگی به ارزش‌ها و پیراستگی از ضد ارزش‌ها و در کل یعنی اوج گرفتن به بندگی و ساختن شایسته و بایسته‌ی دنیا و آخرت بر اساس حق و عدل و برابری و ایثار و فداکاری.

«الْعَقْلُ مَا عُبِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَ اَكْتَسِبَ بِهِ الْجَنَانَ»؛ (۳۱) «عقل آن است که به وسیله‌ی آن خدای رحمان پرستش شود و به وسیله‌ی آن بهشت نصیب انسان شود.».

با دقت در معنای عقل، پس در نتیجه خدیجه (سلام الله علیها) خردمندترین بانوان روزگار است، چرا که او در پرتو خروش بود که

نخستین بانویی بود که ایمان و اسلام آورد، همراز و هم‌سنگر و مددکار پیامبر صلی الله علیه و آله شد و همه‌ی هستی خود را خردمندانه برای ساختن دنیا و آخرتش ریخت و فدا کرد.

او در این راه، جهاد و فداکاری می‌کرد، پیامبر را دلداری می‌داد، به او امید می‌داد، او را دلگرم می‌کرد و پناهش می‌داد. یکی از نوشته‌های تاریخی می‌گوید: «وَكَانَتْ مِنْ أَحْسَنِ النَّسَاءِ جَمَالًا، وَأَكْمَلُهُنَّ عَقْلًا، وَأَتَمَّهُنَّ رَأْيًا، وَأَكْثَرُهُنَّ عِفَّةً وَدُنْيَا وَحِيَاءً وَمُرُوءَةً وَمَالًا...»؛ (۳۲) «خدیجه (سلام الله علیها) در زیبایی ظاهری و باطنی، زیباترین زنان روزگارش بود و از نظر خرد و اندیشه، خردمندترین و اندیشمندترین آنان، او در پاک‌روشی و پاک‌منشی، دین‌باوری و خداجویی، وقار و حیا و عزت و آزادگی آراسته‌ترین‌ها بود و در ثروت و امکانات، ثروتمندترین آن‌ها بشمار می‌رفت.».

نتیجه

با توجه به ویژگی‌های مطرح شده مشخص است که، حضرت خدیجه (سلام الله علیها) دارای خوداندیشی و نواندیشی هستند. این بانوی مکرمه اگرچه از تبار انسان‌های اصیل و با شرافت عرب آن زمان بودند لیکن خودشان، دارای امتیازات تحسین برانگیزی بودند و همواره برای رشد و پرورش چنین صفات انسانی و خدایسندانه تلاش می‌کردند.

پی‌نوشت‌ها

- ۱۶- شیبانی، الکامل، ج ۲، ص ۶۳؛ عبدالرحمن ابوالفرج ابن جوزی، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، ج ۲، ص ۳۶۷؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۴۷؛ عبیدالله بن احمد حسکانی، شواهد التنزیل لقوائد التفضیل، ج ۱، ص ۴۸۵.
- ۱۷- زین الدین محمد بن علی ابن شهر آشوب، مناقب ال ابی طالب، ج ۱، ص ۱۷۵.
- ۱۸- محمدباقر مجلسی، همان، ج ۱۶، ص ۱۱.
- ۱۹- همان، ج ۱۶، صص ۷۱-۷۰؛ سیلاوی، همان، ص ۱۰۲.
- ۲۰- محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۷۹؛ ابن هشام، سیره ی ابن هشام، ج ۱، ص ۳۷۹.
- ۲۱- محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۲۱۸؛ محمد بن حسن بن علی بن محمد بن حسین حرعاملی، وسایل الشیعه، ج ۳، ص ۲۴۳.
- ۲۲- گنجی شافعی، کفایة الطالب، ص ۳۵۹.
- ۲۳- ذبیح الله محلاتی، همان، ج ۲، ص ۲۰۶؛ عزالدین ابن اثیر، همان، ج ۵، ص ۴۳۸.
- ۲۴- محمدباقر مجلسی در زمان خود از بعضی از بزرگان آورد که: مکان این خانه در مکه معلوم و مشهور است. بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۱۶۷.
- ۲۵- مرتضی ابن محمد امین دزفولی، مناسک حج، ص ۱۲۲؛ محمدحسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۲۰، ص ۶۹.
- ۲۶- سبط ابن الجوزی، تذکره الخواص، ص ۲۷۱.
- ۲۷- محمدالحسون، همان، ص ۱۹.
- ۲۸- محمدباقر مجلسی، همان، ج ۱۶، ص ۱.
- ۲۹- ذبیح الله محلاتی، همان، ج ۲، ص ۲۰۷؛ محمدباقر مجلسی، همان، ج ۴۳، ص ۱۳۰.
- ۳۰- سبط ابن الجوزی، همان، ص ۲۷۲.

۳۱- محمدحسین طباطبایی، تفسیرالمیزان، ج ۲، ص ۳۷۶، به نقل از اصول کافی، ج ۱، ص ۱۱.

۳۲- ذبیح الله محلاتی، همان، ج ۲، ص ۲۰۴.

کتابنامه

طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.

ابن اثیر، عزالدین، اسد الغابه، بیروت، انتشارات دارالفکر، ۱۴۰۹هـ.

ابن اثیر، عزالدین، اسد الغابه، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹هـ.

ابن جوزی، عبد الرحمن، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، بیروت، انتشارات صادق، ۱۳۵۸هـ.

ابن سید الناس، عیون الأثر، بیروت، انتشارات دار القلم، ۱۴۱۴هـ.

ابن شهر آشوب، زین الدین محمد بن علی، مناقب ال ابی طالب، بی جا، انتشارات ذوی القربی، چاپ دوم، بی تا.

ابن هشام، سیره ی ابن هشام، بیروت، انتشارات دارالجلیل، ۱۴۱۱هـ.

اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّه، تبریز، مکتبه ی بنی هاشم، ۱۳۸ش.

امین انصاری، مرتضی ابن محمد، مناسک حج، قم، انتشارات مجمع فکر اسلامی، ۱۴۲۵هـ.

بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیرالقرآن، تهران، انتشارات موسسه بنیاد بعثت، ۱۴۱۶هـ.

البصری الزهری، محمد بن سعد، الطبقات الکبری، بیروت، دار النشر دار صادر بی تا.

بیهقی، دلائل النبوه، بی تا، بی جا.

تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیرالقرآن بالقرآن، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ش، چاپ: دوم.

جوزی حنفی، سبط بن فرج، تذکره الخواص، شریف رضی، ۱۴۱۸هـ، قم.

حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، قم، مؤسسه ال البيت، ۱۳۰۸هـ.

حسکائی، عبید الله، شواهد التنزیل لقوائد التفضیل، تهران، وزارت ارشاد، ۱۴۱۱هـ.

حسنی، سید بن طاووس، الإقبال، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ش .

حسنی، سید بن طاووس، منهج الدعوات، قم، دارالذخائر، ۱۴۱۱هـ.

الحسون، محمد، اعلام النساء المؤمنات، بی جا، انتشارات اسوه، ۱۴۱۱هـ.

حلی، علی بن یوسف، العدد القویه، قم، انتشارات سید الشهداء، ۱۴۰۸هـ.

راوندی، قطب الدین، الخرائج و الجرائح، قم، مؤسسه امام مهدی، ۱۴۰۹هـ .

راوندی، قطب الدین، الخرائج و الجرائح، قم، مؤسسه امام مهدی، ۱۴۰۹هـ.

سیلاوی، الانوار الساطعه، چاپخانه علمیه، ۱۴۲۱هـ.

شیبانی، محمد بن عبد الکریم، الکامل فی التاریخ، دار النشر، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵هـ، الطبعة: ط ۲، تحقیق: عبد الله

القاضی.

صالحی شامی، یوسف، سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیرالعباد، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴هـ .

طبری، عماد الدین، بشارت المصطفی، نجف اشرف، انتشارات کتابخانه حیدریه، چاپ: دوم، ۱۳۸۳ هجری.

طوسی، محمد بن حسن، امالی طوسی، قم، انتشارات دارالثقافیه، ۱۴۱۴هـ.

عسقلانی، ابن حجر، الأصابه، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵هـ.

- فрат کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات کوفی، مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت ارشاد اسلامی چاپ: اول، ۱۴۱۰ هجری.
 قمی مشهدی، محمد رضا، کنز الدقائق، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
 کفعمی، ابراهیم بن علی، مصباح کفعمی، قم، انتشارات رضی (زاهدی)، چاپ: دوم، ۱۴۰۵ هجری.
 کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه چاپ چهارم، ۱۳۶۵ ش.
 الکنجی الشافعی، محمد بن طلحه، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، داراحیاء تراث اهل البیت، طهران، ۱۴۰۴ ه، چاپ سوم.
 مامقانی، عبد الله، تنقیح المقال، نجف، طبع رحلی، چاپ سنگی، مطبعه رضویه، بی تا.
 مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفا، ۱۴۰۴ ه.
 محدث نوری، مستدرک وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آلالبیت، ۱۳۰۸ ه.
 محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ ه.
 مقریزی، احمد بن علی، امتاع الاسماع، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰ ه.
 نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، بی جا، دار الاحیاء للتراث العربی، چاپ هفتم، بی تا.
 واسطی معروف به ابن المغازلی (شافعی)، علی بن محمد، المناقب، دار الآثار، یمن، صنعا، ۱۴۲۴، چاپ اول.
 یاقوت حموی، معجم البلدان، بی جا، انتشارات دارالصادر، چاپ دوم ۱۹۹۵ ه.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بپزدان، نگاه می دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

